من التمثيل از ذوق عنايتي كه ان الله غني عن العالمين طلوع نمايد امانات وجودات فيه با اهل آن باز ميگردد و سر لمن الملك اليوم لله الواحد
القهار بظهور مي آيد بيت جمله سرها را به پيش او دهيد : ملك ملك اوست ملك او را دهيد : خصم هر شر آمده بر رو به از كل شيء هالك الا وجهه
اي عزيز عزيز بر تو تحقيق واجب شود و آن حق را بدو اداء كني از امانت گويند و چون يكي را بر ديگري حقي لازم گردد و ديگري حس كه حق بر وي لازم
شده امر نمايد كه حق بمستحق رسد اين حكم را خوانند و چون ترتيب صحيح مقتضي آنست كه در جلب منافع و دفع مكاره ابتدا به نفس خود كنند پس بمهم
ديگران اشتغال نمايد حق سبحانه اول بيان امانت كرد پس از آن طريقه كه حكم از آن فرموده گفت وإذا حكمتم و چون حكم كنيد
و كارگذاري نمايد بين الناس ميان مردمان يعني جمعي كه حكم شما بر ايشان جاري باشد و گفته اند خطاب با حكام و اهل فرمانست ميگويد كه امر الهي
در وقت حكم كردن أن تحكموا بالعدل آنست كه حكم كند براستي از سر حد انصاف تجاوز ننمايند ابو الليث گويد حقيقت اين عدل در حكم
مبني برين حكم است كه البينة على المدعي واليمين على من انكر إن الله نعما يعظكم به بدرستي كه خداي نيكو چيزيست كه شما را پند ميدهد كه اداء امانت
و عدل در حكومات امر او وعظ ميگويد جهت آنكه متضمن عظت يعني تخويف ميكند بر ترك بعقوبت و ترغيب مينمايد بر مباشرت آن بمثوبت ارباب
تحقيق از اين اداء حكومت بعد از اداء امانت آن معني نيز فهم كرده اند كه رعايا امانت الهي و ودايع حضرت پادشاهي اند كه زمام اختيار ايشان
در دست حكام است پس هر حاكم كه رعايت اين امانت نموده غبار خيانت ظلم و اذيت از مرايا احوال رعايا بصيقل عدل و احسان زدايد
هر آينه اداء امانت الهي كرده باشد و شرايط حكومت كما ينبغي بجاي آورده بيت اين رعيت وديعت نكوست : كه امانت خداي داده تست :
با امانت بدان نظر مكن : در خيانت در آن حذر مكن : كه اين را خدا نگهدارست : خاين اندر بلا گرفتارست إن الله كان بتحقيق كه
خداست سميعا شنوا بقول عثمان حجبي كه گفت بگو كليد خانه را يا رسول الله با امانت يا بقول شما در امانت داري و حكم گذاري
بصيرا بينا بر غيبت عباس و رسالت يار و مصاحب با اهل آن يا با آنچه شما ميكنيد در امانت و حكومت در خواص تيمي آورده كه چون كسي دفينه
امانتي نهد و موضع آن بعينه از خاطرش محو گردد و اين آيه را برانا جديد نوشته و در آب باران محو كرده و در مكاني كه متوهم است بپاشد البته محل
مطلوب بر ظاهر گردد و بمقصود برسد و چون اهل حكم را بعدل فرمود رعيت را نيز بفرمان برداري ايشان امر نمود حيث قال يا أيها الذين آمنوا
اي گروه گرويدگان أطيعوا الله فرمان بريد خدا را در فرايض وأطيعوا الرسول و فرمان برداري كنيد رسول را در سنن او يا اطاعت نماييد
خدا را در آنچه مجمل بدان امر كرده و رسول را در آنچه مفصل بدان فرموده وأولي الأمر منكم و اطاعت كنيد خداوندان امر را كه باشند
از شما كه مؤمنانند مراد امراء مسلمانانند كه حضرت پيغمبر صلعم در عهد خود تعيين مينمود چنانچه در اسباب نزول است كه حضرت خير البريه
خالد وليد را بر سريت امير كرد و عمار ياسر را كه از نامداران دين مبين بود با وي فرستاد و جمعي كه خالد قاصد بود ايشان از خبر يافته چون
امكان مقاومت و مقاتله نداشتند روي بگريز نهادند و منزل خود را خالي گذاشتند مردي مقبل از جمله ايشان كه اسلام قبول كرده بود
و پيش از رو و بجنود روي بقبله ايمان آورده و در لشكرگاه خالد پناه بعمار ياسر برد و گفت يا ابا اليقظان اهل قبيله من از بر
ترا را اختيار كرده و من بازمانده ام ايمان در دين مكان آرام دارم اگر مسلماني مرا دستگيري خواهد نمود تا باشم و الا پاي گريز در راه نهاد
سر خود سلامت بيرون برم عمار رضي الله عنه فرمود كه من ترا امان دادم امين باش كه دين داري تر در جوار عصمت آورده كاري مأمون خواهد بود

آن شخص

آن شخص فرمود و عمار در خانه خود ساكن شد خالد بامداد لشكر را بغارت و تاراج آن قبيله اشارت كرد ايشان بخانهاي خصم شتافتند
و غير از آن مستامن كسي نيافتند پس او را با عيال و اولاد اسير كرده نزد خالد آوردند عمار فرمود كه او مسلمانست و بقول من
در امانست خالد از روي غضب گفت كه از ادب دور مينمايد كه گستاخي و بي امير مشاورت و اجازت او كسي امان دهد گفت و گوي
ميان خالد و عمار بسيار شد و بجناب نبوت آمده صورت حال بعرض سيد انام صلعم رسانيدند سيد عالم صلعم امان عمار را بر قرار
گذاشت و برد مال و عيال آن مرد اشارت عالي ارزاني داشت و نهي فرمود از آنكه كسي كه امارت نامزد او نباشد و اين آيه نازل شد
كه فرمان بريد اولو الامر را يعني امرا و سرايا ابو بكر وراق گويد اولو الامر خلفاء اربعه اند كه بصفت صدق و علم و عدل و حيا از افاضل صحابه ممتاز
بودند و در عين المعاني آورده كه اولو الامر جميع صحابه اند لقوله صلعم بأيهم اقتديتم اهتديتم عطا گفته كه مهاجر و انصارند با تابعان ايشان لقوله تعالى
والسابقون الأولون من المهاجرين والأنصار والذين اتبعوهم بإحسان مجاهد گويد مراد فقها اند و علما كه خلق را از معالم دين آگاه
سازند و سرگردانان باديه جهالت را بهدايت تعليم براه باز آرند صاحب سوخرا آورده كه اهل عقل و رأي اند كه مصالح تدبير امور جمهور بقبضه درايت
و كفايت ايشانست و در بعضي از كتب منزله وارد شده كه اولو الامر عارفان الله اند و محققان اولو الامر مشايخ اند كه ترتيب
اهل سلوك اشتغال مينمايند و سالك را فرمان برداري ايشان لازمست و بي آنكه كسي متابعت ايشان كند بمقصد تواند رسيد
و نه بمقصود بيت هر كه سر بر خط فرمان دليلي ننهد : كي ميسر شودش پي براه آوردن : هر كه خواهد كه بسر منزل مقصود رسد :
بايدش پي روي راه نمايان كردن و در كشف الاسرار آورده كه اولو الامر پيران طريقت اند كه در هر عصري يكي را از ايشان غوث خوانند
و غوث متابعان او از ابدال و اوتاد و نجبا و نقبا ملوك دنيا و آخرتند چنانچه در منزله آمده كه ملوك تحت القباب بيت جهان پيما چو خورشيد
جهانتاب : مدار سير گردون چو اقطاب : براوج ال چو انجم صاحب نور : بملك جان ملوك تحت القباب شيخ ابو العباس قصاب
قدس سره در وقت بخرقان رود و انكار او دست مجهول الذكر و مجهول العين او ابو الحسن خرقاني گويند سلام بدو رسان و بگوي كه اين طبل علم باد
خداي و زمان او بحضرت تو فرستادم و اهل زمين را بتو سپردم و من رفتم بيت جمله عالم در پناه عاشقست : عاشقان را پادشاهي الهي
در حقايق سلمي آورده كه اهل آنست كه فرمان خدا بري ليس اگر دولت انكار ازو دريافت بمقصد رسيدي و استعانت كن بطاعت رسول
بر طاعت خداي و اگر بدين سعادت مستعد گشتي بمقصود حاصل شد و الا باري طلب بطاعت ائمه مشايخ بر طاعت رسول و بيايد دانست
كه بي فرمان برداري مشايخ كه صفحات حال ايشان برقم الشيخ في قومه كالنبي في امته موسوم است بسر حد شناخت رسول راه نتوان برد
و بي متابعت رسول بسر منزل معرفت نتوان رسيد و چون عارف بدان مرتبه رسيد كه عاشق عين گشت همچون ابو الحسن خرقاني
سر برون ميدهد كه من بواسطه استغراق در بحر اطيعوا الله از اطيعوا الرسول شرمنده ام بطاعت اولو الامر كجا تمام رسيد بيت هر كه شد
فاني عاشق گشت عين : فارغست از رنگ بوي زين و شين : او چنان مستغرق دريا بوده : كه نه جزو درياست ميش لا بوده فإن
تنازعتم في شيء پس اگر خلاف كنيد شما و اولو الامر در چيزي از امور دين فردوه إلى الله پس باز گردانيد آنرا بكتاب خداي
والرسول و رجوع كنيد بما رسول در زمان حيات او و بسنت آنحضرت بعد از وفات او إن كنتم اگر هستيد شما كه از سر اخلاص

Copyright © King Saud University